



ازدواج از دیدگاه فقه و مباحث فقهی

علیرضا صابریان
دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی
و عضو هیئت علمی
دانشکده عقیدتی سیاسی سپاه

مقدمه

از مقدس‌ترین اعمال یک مسلمان، ازدواج است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«مرد مسلمان بعد از اسلام آوردن، فایده‌ای برتر از ازدواج با زنی مسلمان با خصلت‌های زیر نبرده است: در حضور شوهر باعث خوشحالی او شود و امر او را اطاعت نماید و در عدم حضور شوهر خود و اموال او را حفظ نماید.»^(۱)

امام باقر علیّه السلام نیز به نقل از پیامبر اسلام ﷺ:

هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر از تزویج در نزد خداوند عزوجل نمی‌داند.»^(۲)

امیرالمؤمنین علی علیّه السلام فرمود:

«ازدواج کنید که ازدواج کردن سنت رسول خدا ﷺ است.

پیامبر اسلام ﷺ بارها می‌فرمود:

هر کس می‌خواهد از سنت من پیروی کند، ازدواج کند. زیرا ازدواج کردن از سنت من است.»^(۳)

امام صادق علیّه السلام از قول پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«هر کس که ازدواج کند نصف دینش را حفظ نموده است.»^(۴)

همچنین «پست‌ترین مردگان شما، عزّیبا هستند.»^(۵)

«دورکعت نماز شخص ازدواج کرده برتر از هفتاد رکعت نماز عزب است.»^(۶)

خانواده کهن‌ترین اجتماع بشری است که بر اثر کشش جنسی دو انسان (زن و مرد) به وجود می‌آید.

چه نظریه «اجتماعی و مدنی الطبع بودن انسان» بپذیریم و چه نظریه مقابل آن را که زندگی اجتماعی انسان را معلول عوامل اجبار کننده خارجی می‌داند، تشکیل خانواده رنگ صد در صد طبیعی و فطری دارد. با تشکیل خانواده نسل بشر استمرار یافته و کاروان بشریت راه خود را به سوی کمال و ترقی پیموده است.

دراصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که:

«از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

در تعریف خانواده گفته شده است که:

«خانواده گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است» (۷).

قرآن مجید اهمیت زیادی به تشکیل خانواده داده، زن را مایه آرامش مرد و زندگی مشترک این دو را رحمت معرفی نموده است. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (۸)

با در آیه‌ای دیگر دستور داده است که زنان بی‌شوهر و مردان بی‌همسر را به ازدواج هم در آورید و اگر چنانچه مرد و زنی فقیر باشند خداوند به فضل خود آنان را بی‌نیاز خواهد نمود. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَّا بَكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (۹)

کسانی که در صدد زندگی مشترک هستند لازم است از حقوق و تکالیف خود نسبت به همدیگر در زندگی زناشویی مطلع باشند. آنان که این حدود شرعی و قانونی را رعایت کرده و کانون خانواده خود را با اخلاق اسلامی گرم و صمیمانه می‌کنند، بیشترین لذت را از زندگی دنیوی برده و موجب سعادت اخروی خود نیز می‌گردند.

معمولاً تشکیل زندگی با خواستگاری کردن از زن از طرف مرد شروع می‌شود. شهید مطهری با بیان این که این نحو خواستگاری مطابق فطرت و طبیعت انسانی است، این قاعده را در زندگی جمعی حیوانات هم جاری می‌داند که درخواست اغلب از ناحیه جنس مذکر آغاز می‌گردد. (۱۰)

عمل خواستگاری در فقه «خُطْبَة» نام دارد.

بعد از آنکه مرد پیشنهاد ازدواج را با زن در میان گذاشت و زن قبول نمود، تا قبل از اینکه مراسم عقد و اجرای صیغه نکاح توسط زن و مرد و یا وکیل آن دو صورت گیرد، این فاصله زمانی را نامزدی گویند. دو نامزد تا هنگامی که صیغه نکاح جاری نشده است همچنان نامحرم بوده، مجاز نیستند هیچگونه تمتع جنسی از همدیگر داشته باشند.

طبق ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری کرد».

خواستگاری از بعضی از زنان جایز نیست، تفصیل آن به شرحی است که خواهد آمد. از منظر فقه و بد تبعیت از آن از دیدگاه علم حقوق اسلامی، خواستگاری یا به صورت تصریح است یا تعریض و کنایه.

منظور از تصریح آن است که مرد بدون پرده و صریحاً بگوید که من قصد ازدواج با شما را دارم. مقصود از تعریض آن است که مرد لفظی را به کار می‌برد که صراحتاً دلالت بر خواستگاری ندارد، اما عرفاً از آن معنای خواستگاری فهمیده می‌شود همانند اینکه بگوید: چه خوب بود شما ازدواج می‌کردید و یا خیلی از مردها تمایل از دواج با شما را دارند و یا شما زیبا هستید و شبیه این عبارات. خواستگاری کردن از بعضی از زنان مطلقاً جایز و از بعضی دیگر مطلقاً حرام و از گروه دیگر خواستگاری تصریحی حرمت دارد، اما خواستگاری تعریضی بدون مانع است.

علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء شقوق مختلف مسئله را بدین شرح مورد بررسی و نظر قرار داده است. (۱۱)

۱ - زنی که در عقد نکاح مردی نیست (چه به صورت دائم و یا موقت) و همچنین در ایام عده به سر نمی‌برد خواستگاری از او مطلقاً برای مردان جایز است (به صورت تصریح و یا به صورت تعریض)

۲ - خواستگاری از زنان شوهر دار مطلقاً حرام است خواه به صورت تصریح یا تعریض.

۳ - زنی که در عده طلاق رجعی است خواستگاری از او به غیر از طرف شوهر، مطلقاً حرام است، خواه به صورت تصریح یا تعریض.

۴ - خواستگاری از زنی که در عده طلاق سوم است توسط شوهر و غیر شوهر، به صورت تعریض جایز است اما خواستگاری تصریحی چه از طرف شوهر و یا غیر از او جایز نیست.

۵ - زنی به خاطر لعان از شوهرش جدا شده است و یا در عده طلاق نهم است؛ خواستگاری از این زن توسط شوهر با تصریح و یا تعریض حرام است و خواستگاری توسط سایرین با تعریض جایز است.

۶ - زنی در عده طلاق باین است، مانند مختلعه یا مبارئه یا غیرمدخوله؛ خواستگاری از این زن توسط شوهر به تصریح یا تعریض جایز است، اما خواستگاری دیگران فقط به تعریض جایز است.

۷ - خواستگاری از زنی که شوهر او مرده است و در عده وفات به سر می‌برد (چهارماه و ده روز) به صورت تعریض جایز است اما به صورت تصریح جایز نیست.

همانگونه که آیه شریفه «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ» (۱۲) بر این امر دلالت دارد. طبق روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه وارد شده، منظور آیه زانی هستند که شوهران آنها فوت کرده‌اند و عده وفات را می‌گذرانند. (۱۳)

در مواردی که تصریح به خواستگاری، حرام دانسته شده است، اگر مردی این حرام را مرتکب شد اما بعد از رفع مانع با آن زن ازدواج نمود نکاح او صحیح است. (۱۴)
شافعی و ابوحنیفه نیز همین قول را برگزیده‌اند. (۱۵)

اما مالک قائل شده است که اگر با صراحت خواستگاری کند و سپس ازدواج نماید، نکاح بین این دو فسخ می‌شود. (۱۶)

ظاهراً قول مالک موجه به نظر نمی‌رسد، زیرا فسخ نکاح نیاز به مجوز خاص دارد و حرمت عمل خواستگاری به صورت تصریح موجب بطلان عقد نکاح بعدی نمی‌شود با توجه به این اطلاق آیه شریفه «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (۱۷) دلالت بر صحت این چنین نکاحی دارد، اگر چه مقدمه حرامی را مرتکب شده است. (۱۸)

خواستگاری از نامزد دیگری

چنانچه مردی از زنی خواستگاری کرده و مورد موافقت زن قرار گرفت اما هنوز صیغه عقد نکاح خوانده نشده است، آیا مرد دیگری می‌تواند از این زن خواستگاری کند؟
شهید اول (۱۹) و شیخ طوسی (۲۰) قائل اند که اگر زن به خواستگاری مردی پاسخ مثبت داد، خواستگاری مرد دیگر از این زن حرام است. استدلال این فقها به حدیث منقول از رسول خدا ﷺ است که فرمود:

«لَا يَحْتَطَبُ أَحَدُكُمْ عَلَى خِطْبَةِ أَخِيهِ» (۲۱)

«هیچ یک از شما نباید روی خطبه برادر دینی اش خطبه بخواند»، زیرا با این وصف بین دو انسان مسلمان اختلاف می‌افتد و موجبات کینه و دشمنی فراهم می‌آید و لذا این عمل حرام است. اما در مقابل، عده‌ای از فقها قائل به جواز (۲۲) و یا حداکثر، کراهت (۲۳) شده‌اند.

استدلال این دسته از فقها این است که اصل براباحه است. با پاسخ مثبت دادن زن به خواستگار اول، علقه همسری به وجود نمی‌آید و حدیث مورد استناد دلالت بر حرمت ندارد. همانند حدیثی که منع از داخل شدن مسلمان در معامله مسلمان دیگر کرده است. مضافاً بر اینکه این احادیث ضعف سند نیز دارند. (۲۴)

با فرض حرمت، اگر زن به خواستگار دوم پاسخ مثبت داد و با او ازدواج نمود و خواستگار اول را رد نمود این نکاح صحیح است؛ زیرا صرف نظر کردن از نهی و انجام گناه، موجب بطلان عقد نکاح نمی‌شود. (۲۵)

بعضی از فقهای اهل سنت نیز قائل اند که خواستگاری از زنی که به مرد دیگری پاسخ مثبت داده، حرام است. (۲۶)

اما در خصوص زنی که مورد خواستگاری مردی قرار گرفته، اما هنوز پاسخ مثبت یا منفی نداده است، آیا مرد دیگری می‌تواند از او خواستگاری کند یا نه؟ فقهای امامیه و بعضی از فقهای عامه شافعی و مالک قائل به جواز هستند. (۲۷)

اما اگر کافر ذمی از زن ذمی‌ای خواستگاری نماید و زن پاسخ مثبت به او بدهد بر مرد مسلمان جایز است که از این زن خواستگاری نماید، البته طبق نظر فقهای که ازدواج با اهل کتاب را جایز می‌شمرند.

شهید ثانی بر این جواز، هم با اصالة الاباحه تمسک نموده و هم به حدیث نبوی که پیامبر ﷺ نهی فرمودند از این که مسلمانی وارد معامله برادر مسلمان خود بشود، در حالی که بین مسلمانان کافر اخوت دینی نیست. (۲۸)

بر هم زدن نامزدی از طرف مرد یا زن یا هر دو

در ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی آمده است:

«وعده ازدواج، ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند، اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد، بنابراین، از هر یک از

زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمیتواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت، مطالبه خسارتی نماید».

از این ماده قانونی استنباط می‌گردد که علقه زوجیت فقط توسط عقد نکاح به وجود می‌آید، اگر چه قبل از عقد نکاح زن و مرد بر سر مهریه به توافق رسیده باشند، حتی اگر این زن و مرد قبل از اجرای خطبه عقد نکاح متعهد بر انجام ازدواج با همدیگر شوند و برای تخلف از آن وجه التزامی را معین کنند؛ به عنوان مثال این گونه قرار بگذارند که چنانچه هر یک از طرفین پشیمان شدند باید فلان مبلغ را به طرف مقابل پردازد، این تعهد قابل الزام نیست و وجه التزام هم قابل مطالبه نمی‌باشد زیرا طبق صراحت قانون، الزام قبل از عقد نکاح بدون اثر بوده و داخل در شروط ابتدایی می‌باشد که لزوم وفاء ندارد.

نباید تصور کرد که این تعهد جزء مصادیق ماده ۱۰ قانون مدنی است که می‌گوید: «قرار دادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است».

زیرا طبق تصریح ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، هر یک از زن و مرد می‌توانند قبل از عقد نکاح از وصلت خودداری کنند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به بنابراین تعهد قبل از ازدواج مخالف ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی بوده و طبق ماده ۱۰ همین قانون، قراردادهای خصوصی مخالف صریح قانون، نافذ نیست. ازدواج نماید و یا به صرف امتناع از وصلت، مطالبه خسارتی نماید.

بعضی از حقوقدانان معاصر تخلف از تعهد قبل از عقد نکاح را قابل پیگیری دانسته، و با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی گفته‌اند که دادگاه می‌تواند متخلف را ملزم به انجام تعهد خود نموده و حکم به پرداخت وجه التزام بدهد. (۲۹)

اما همانگونه که بیان شده به علت مخالفت این تعهد با صراحت قانون، تخلف از آن قابل پیگیری نیست.

مخارج نامزدی

قبل از اینکه در تاریخ ۸ / ۱۰ / ۱۳۶۱ قانون مدنی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد ماده‌ای وجود داشت که چنانچه یکی از نامزدها بدون علت موجه، نامزدی را به هم زده و

حاضر به وصلت نشود اما طرف مقابل به اعتقاد وقوع ازدواج، مخارجی متحمل شده باشد، این مخارج قابل مطالبه می‌باشد.

متن ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی که در تاریخ مذکور حذف گردید، چنین است:

«اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم زند، در حالی که طرف مقابل یا ابوبین او یا اشخاص دیگر به اعتقاد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند، طرفی که وصلت را بهم زده است باید از عهده خسارت وارده برآید، ولی خسارت مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.»

در نگاه ابتدایی به نظر می‌رسد که در این ماده چیزی بر خلاف شرع وجود ندارد، زیرا یکی از نامزدها بدون علت موجه نامزدی را بهم زده و حاضر به وصلت نشده است و از طرفی هم طرف مقابل با اعتقاد به وقوع ازدواج مغرور شده و متحمل مخارجی شده است و طبق قاعده «الْمَعْرُورُ يَرْجِعُ إِلَى مَنْ عَزَّه»^(۳۰) می‌تواند مخارج متحمل شده را مطالبه نماید. اما در جواب این استدلال می‌توان گفت که در عرف همه جوامعی که در آنها خواستگاری و نامزدی وجود دارد، احتمال اینکه این نامزدی منجر به وقوع عقدنکاح نشود و به اصطلاح رسمیت پیدا نکند وجود دارد. بنابراین به صرف اینکه یکی از نامزدها به اعتقاد وقوع ازدواج مخارجی را نموده در واقع خود اقدام^(۳۱) به این مخارج نموده که نظر طرف مقابل را جلب نماید و هزینه نمودن مخارج نامزدی تبرعی بوده، قابل مطالبه نمی‌باشد به جز هدایا که در مبحث بعدی حکم آن را بررسی خواهیم نمود.

هدایای نامزدی

در ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی آمده است:

«هر یک از نامزدها می‌توانند در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت داده است مطالبه کند، اگر عین هدایا موجود نباشد، مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاهداشته می‌شود مگر این که آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر، تلف شده باشد.»

در ماده بعد آمده است: «مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد، مجری نخواهد بود.»

از دیدگاه فقه چنانچه هبه‌ای صورت گرفته باشد و مال هبه شده به قبض متهب (شخص

هبه شونده) در آید چنانچه متهب از ارحام باشد برای واهب دیگر امکان رجوع نیست و نمی تواند مال هبه شده را پس بگیرد اما چنانچه هبه به غیر ارحام باشد تا زمانی که عین مال بخشیده شده باقی است می تواند آن را مسترد دارد، در غیر این صورت، در صورت تلف، امکان استرداد وجود ندارد. حتی اگر مال هبه شده توسط متهب فروخته شود و یا به دیگری هبه کند و یا در آن تغییری می دهد، مثلاً اگر گندم هبه شده را آرد کند و یا لباس هبه شده را به رنگ دیگری در آورد در این صورتها نیز در حکم تلف مال هبه شده است و امکان باز پس گیری وجود ندارد. (۳۲)

اما قانون مدنی در ماده ۱۰۳۷ تصریح نموده است که اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاهداشته می شود، با عنایت به اینکه نصوص فقهی دلالت دارند که در صورت تلف عین هدایا، قیمت آنها مطالبه نخواهد شد.

ظاهراً نظر قانون گذار بر این امر تعلق گرفته است که عرفاً وقتی نامزدی به دیگری قبل از وقوع عقد نکاح هدیه ای می دهد، این شرط در ذهن او ارتکاز دارد که به شرط وقوع عقد این هدیه را تقدیم می کند و چنانچه به عللی از جمله فوت هر یک از دو طرف، نکاح صورت نگیرد چون از ابتدا هدیه دادن به صورت مشروط بوده بنابراین با عدم وقوع عقد نکاح، هدیه قابل برگشت خواهد بود.

اما در خصوص اموالی که عادتاً نگهداشته نمی شود مثل میوه و شیرینی، میرزای قمی (ره) در این خصوص بر این عقیده است که، با تقدیم کردن مواد خوراکی به غیر برای مصرف در واقع با این عمل اباحه تصرف برای دیگری به وجود آورده و غیر را بر مال خود مسلط گردانیده است و طرف مقابل با اذن او مال را مصرف کرده است که در این صورت ضامن نخواهد بود مگر اینکه قبل از تصرف در مال با او شرط کند در صورتی می توانی از مال من تناول کنی که با من ازدواج نمایی، در این صورت چنانچه وصلتی صورت نگیرد، مصرف کننده ضامن خواهد بود. (۳۳)

ارائه گواهی سلامتی قبل از عقد

یکی از نظامات دولتی که برای حفظ سلامت جامعه در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است این است که:

«هر یک از طرفین می توانند برای وصلت منظور، از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق

طیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه بدهد».^(۳۴) هر یک از زوجین می‌توانند قبل از اجرای صیغه عقد و یا در انجام عقد شروطی را قایل شوند. در شروطی که زوجین مقرر می‌دارند، لازم است خلاف شرع مقدس و یا خلاف مقتضای عقد نباشد، بنابراین در خواست هر یک از زوجین از دیگری برای ارائه گواهی صحت از امراض مسریه از قبیل سفلیس، سوزاک و... نه خلاف شرع است و نه خلاف مقتضای عقد نکاح. اما از آنجایی که ممکن است به خاطر احترام طرف مقابل و رعایت نزاکت و ادب از این درخواست صرف نظر نمایند به موجب ماده قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از عقد ازدواج (مصوب سال ۱۳۱۷) اینگونه مقرر گردید که:

«کلیه دفاتر ازدواج مکلف‌اند که قبل از وقوع ازدواج، از نامزدها گواهینامه پزشک بر نداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می‌گردد، مطالبه نموده و پس از بایگانی به عقد ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نماید».

گفتنی است که اگر زوجین بدون ارائه گواهینامه مذکور اقدام به اجرای صیغه عقد نکاح نمودند و سر دفتر ثبت ازدواج ضمن تخلف، اقدام به ثبت چنین ازدواجی نمود، عدم رعایت این ماده قانونی تأثیری در بطلان عقد ازدواج نداشته و عقد صحیح است. اما سر دفتر به خاطر عدم رعایت نظامات حکومتی مجازات می‌شود.

حکم نگاه کردن به نامزد

شارع مقدس برای فردی که قطعاً قصد ازدواج با زنی را دارد و احتمال قوی می‌دهد که درخواست خواستگاری او رد نخواهد شد، این حکم را مقرر نموده است که مرد می‌تواند بدون قصد لذت بردن به صورت، دست‌ها، مو و جاهایی که زینت آلات را به آنجا آویزان می‌کند مثل گردن، نگاه کند. این جواز مشروط به حالتی است که با این نگاه بصیرت او افزون گردد. اگر با یک بار نگاه کردن مقصود حاصل نشد می‌تواند نگاه را تکرار کند. شهید اول^(۳۵) این نگاه را مستحب دانسته و لکن موضع نگاه را اختصاص به صورت و دو دست زن قرار داده است.

اما بعضی از فقها دیگر از جمله حضرت امام خمینی^(۳۶) رضوان الله تعالی علیه موضع نگاه را توسعه داده و علاوه بر صورت و دستها، نگاه به مو، گردن و جاهایی را که زن معمولاً آنجا

را با طلا و جواهرات زینت می‌کند نیز جایز دانسته‌اند.

بعد از طی مراحل مذکور راه برای اجرای صیغه عقد نکاح هموار خواهد شد که بعد از ایجاد علقه زوجیت، هر یک از زوجین حقوق مدنی خاص به خود را مستحق خواهند شد که قابل بررسی در یک نوشتار دیگر می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- الحر العاملی، الشیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، (ادارحیاء التراث العربی، بیروت بی تا) ج ۱۴، ص ۲۳.
- ۲- همان.
- ۳- همان.
- ۴- همان.
- ۵- همان.
- ۶- همان.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، ج ۱، ص ۴.
- ۸- سوره روم، آیه ۲۱.
- ۹- سوره نور، آیه ۳۲.
- ۱۰- ر.ک مطهری - مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام (انتشارات صدرا - تهران).
- ۱۱- الحلی الحسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء الطبعة الحجرية، ج ۲، ص ۵۶۹ الشیخ الثاني، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، (دارالعلم الاسلامی، بیروت، بی تا)، ج ۵، ص ۲۹۳.
- ۱۲- سوره بقره، آیه ۲۲۵.
- ۱۳- العلامة الطباطبائی، المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، (نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی)، ج ۲، ص ۳۴۵.
- ۱۴- الشیخ الطوسی، کتاب الخلاف فی الفقه (موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ ق) ج ۴، ص ۳۲۰.
- ۱۵- الشافعی محمد بن اردیس، کتاب الام، النشر الفنی المتحد، مصر، ۹۶۱ هـ ج ۵، ص ۳۷.
- الکاسانی الحنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دارالکتاب العلمیة بیروت، ۱۹۸۶ م، ج ۲، ص ۱۶۹.
- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الاوطار من احداث سید الاخبار شرح منتهی الاخبار، دارالجیل (بیروت، بی تا)، ج ۶، ص ۲۳۸.
- ۱۶- ابن قدامة، ابو محمد عبدالدين احمد، المغنی (دارالفکر، بیروت ۱۴۰۴ هـ ق) ج ۷، ص ۵۲۶.
- مالک بن انس، المدونة الكبرى (دار صادر، بیروت، بی تا، ج ۲)، ص ۴۳۹.
- ۱۷- سوره نساء، آیه ۳.
- ۱۸- الشیخ الثاني، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (دارالعالم الاسلامی، بیروت، بی تا) ج ۵، ص ۲۴۰.
- ۱۹- همان، ص ۲۴۱.
- ۲۰- به نقل از: النجفی الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی (بیروت، ۱۹۸۱ م)، ج ۳۰، ص ۱۲۴.
- ۲۱- البیهقی، السنن الکبری، دار الکتب العلمیة (بیروت، ۱۴۱۴ هـ ق) ج ۷، ص ۱۷۹.
- مسلم بن حجاج قشیری النیشابوری، صحیح مسلم (دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق) ج ۴، ص ۱۳۸.
- ۲۲- النجفی، الشیخ محمد حسن، یشین، ج ۳، ص ۱۲۴.

- ٢٣- الشهيد الثاني، بيهين، ج ٥، ص ٢٣٩.
- ٢٤- الحر العاملي، الشيخ محمد بن الحسن، وسائل الشيعة الى التحصيل مسائل الشريعة (دار احياء التراث العربي، بيروت، بي نا) باب ٣٦ از ابواب مقدمات نكاح، حديث ١ و ٨.
- مالك بن انس، الموطأ (دار احياء الكتب العربية، قاهره، ١٣٧٠ هـ) ج ٢، ص ٥٦٩.
- ٢٥- النجفي، الشيخ محمد حسن، بيهين، ج ٣٠، ص ١٢٤.
- ٢٦- البخاري، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري (دار القلم، بيروت، ١٤٠٧ هـ) كتاب النكاح باب ٤٥، مالك بن انس، بيهين، ج ٢، ص ٥٦٩.
- ٢٧- الحلي الحسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء (الطبعة الحجرية)، ج ٢، ص ٥٧٠.
- ٢٨- الشهيد الثاني، بيهين، ج ٥، ص ٢٤٢.
- ٢٩- امامي، دكتور سيد حسن، حقوق مدني، ج ٤، ص ١٧١.
- ٣٠- الموسوي البجنوردي، السيد ميرزا حسن القواعد الفقيهية (مؤسسه اسماعيليان، قم، ١٤١٣ هـ) ج ٤، ص ١٧١.
- الفاضل اللنكراني، الشيخ محمد، القواعد الفقيهية (المطبعة مهر، قم، ١٤١٦ هـ)، ج ١، ص ٢١٥.
- ٣١- المصطفوي، السيد محمد كاظم، القواعد (مؤسسه النشر الاسلامي، قم، الطبعة الثالثة ١٤١٧ هـ)، ص ٤٩.
- محمدي، دكتور ابو الحسن، قواعد فقه، (نشر دادگستر، تهران ١٣٧٧ هـ) ص ٢٣٥.
- ٣٢- الموسوي الخميني، السيد روح الله، تحرير الوسيلة (مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٤٠٤ هـ)، ج ٢، ص ٥٩-٥٨.
- ٣٣- ميرزاي قمي، جامع الشتات (الطبعة الحجرية، كتاب النكاح) ص ٤٠٢.
- ٣٤- قانون مدني، ماده ١٠٤٠.
- ٣٥- الشهيد الاول، اللمعة دمشقية (دار التراث، بيروت، الطبعة الاولى، ١٤١٠ هـ) ص ١٧٤.
- ٣٦- الموسوي الخميني السيد روح الله، همان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی